

سعید اشیری، رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد در گفت وگو با «میدان دانشگاه» تشریح کرد

فرمول عبور دانشگاه از نفت و شهریه



ابوالفضل مفاهری
نایب‌رئیس دانشگاه

شکل‌گیری نسل‌های دانشگاهی موجب شکل‌گیری زیست‌بوم در اتمسفر مراکز آموزش عالی شد تا مأموریت‌های جدیدی مانند کارآفرینی و جامعه‌پردازی با نهادهای علمی متفاوتی مثل مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری محقق شود. در کشور زمینه‌های راه‌اندازی پارک‌ها از اوایل دهه ۸۰ شکل گرفته و تا به امروز تعداد این مجموعه‌ها به ۵۸ پارک رسیده‌است. پارک دانشگاه آزاد نیز یکی از همین مجموعه‌های فناورانه است که سال ۹۳ مجوز فعالیت گرفت و عملاً از سال ۹۵ فعالیت خود را آغاز کرده است. مدیریت این پارک از آن‌ماه سال گذشته برعهده سعید اشیری گذاشته شد. چهره‌ای نام‌آشنا در فضای نوآوری در کشور زمینه‌های راه‌اندازی پارک‌ها از اوایل دهه ۸۰ شکل گرفته و تا به امروز رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه آزاد معتقد است راه‌حل چالش‌های زیست‌بوم و نوآوری پول نیست و می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود توان دانشگاه آزاد را پای کار حل مسائل ملی آورد. او در این گفت‌وگو از دلایل خرید «با سلام»، «روناد» و «پاکسیت» گفت و ایده «اشتغال‌یافتن» را تشریح کرد. مشروح این گفت‌وگو به صورت کامل در «فرهیختگان آنلاین» به صورت مکتوب و تصویری منتشر شده‌است.

قرار است درباره مفهومی صحبت کنیم که شاید در ادبیات فارسی ارتباط نزدیکی با آنچه در درون آن رخ می‌دهد نداشته باشد. در ادبیات و فرهنگ ما «پارک» به معنای محلی پرکاپو، مشابه آنچه امروز در بسیاری از پارک‌های علم و فناوری اتفاق می‌افتد، به کار نمی‌رود. اجازه دهید از تعریف آغاز کنیم؟ پارک علم و فناوری دقیقاً چیست؟

اگر از حیث واژه‌شناسی بخواهم آغاز کنم، مفهوم «پارک» از واژه «پاریکوس» در زبان لاتین گرفته شده و به تدریج، از قرن هفدهم به بعد، برای فضاهای طبیعی پیرامون قصر پادشاهان وجود داشت - فضاهایی میان جنگل و قصر پادشاهان که در آن اسب‌ها را و برخی تجهیزات قرار داشت که چنان نشان انبار داشتند- این فضای حاشیه‌ای تدریجاً «پارک» اطلاق شد.

بعدها با ورود به دوران مدرن و شکل‌گیری عصر صنعتی و گسترش شهرها، بخش‌هایی از جنگل‌ها و طبیعت در میان شهر باقی ماند. برای این قطعات طبیعت که در شهر باقی مانده بود دوباره واژه «پارک» به کار رفت و اصلاً سیاست‌هایی برای ایجاد جنگل‌ها و فضاهای طبیعی مصنوعی در درون شهرها شکل گرفت تا موجب شادی شهرنودان شود. عنوان «پارک» از اینجا شکل گرفته است. چون فرهنگ تقلید در ما عمق بالایی دارد، ما هم بر همین اساس عین واژه را تقلید کردیم و استفاده کردیم.

از کجا فناوری به آن چسبید؟

در دانشگاه بر اساس ایده کانتی «مکان محوری» در حاشیه و پیرامون دانشگاه‌ها - بیشتر در اروپا و آمریکا - فضاهایی شکل گرفت که در این فضاها در حقیقت شرکت‌ها و هسته‌ها و مجموعه‌های تحقیقاتی مستقر بودند و رابطه بین صنعت و دانشگاه عمدتاً از مسیر همین شرکت‌های واسط



می‌گذشت. این مجموعه‌ها چون هم داخل پارک و هم داخل دانشگاه بودند و هم ارتباط با فضای صنعت و بازار داشتند. در یک فضای عمومی تر و گسترده‌تر حاضر بودند و نام آنجا را «پارک فناوری» یا «پارک علم» یا «پارک علم و فناوری» به‌صورت ترکیبی گذاشتند.

ما اگر بخواهیم معادلی بر اساس میراث علمی-ادبی خودمان و بر اساس میراث تاریخی خودمان برای آن در نظر بگیریم، شاید این واژه و اصطلاح پیشنهادی آقای شهید طهرانچی مناسب باشد؛ «فن‌بازار». یعنی در حقیقت موقعیتی که فناوری‌ها در آن به بازار متصل می‌شوند. در تعریف ایشان، «پارک» کنش اجتماعی دانشگاه محسوب می‌شد و پارک آن حلقه آخری بود که رابطه بین نهاد دانشگاه را با بازار و صنعت برقرار می‌کرد. بر همین اساس، از سویی یک فضای فناورانه و از سویی یک فضای تعاملی و ارتباطی بود. برای آن فضای تعاملی و ارتباطی که این دادوستد و آموذشد و رفت‌وبرگشت را انجام می‌داد، واژه «بازار» را ایشان پیشنهاد می‌کرد این برای وجه فناورانه‌اش هم واژه اختصاری «فن» و ترکیب این دو می‌شد «فن‌بازار». اگر بخواهیم یک بازنگری بکنیم راجع به مفهوم پارک علم و فناوری، شاید واژه «فن‌بازار» و واژه‌ای باشد که بتواند نمایندگی بومی‌تر و مبتنی بر سنت فکری خودمان باشد.

در کشورمان نزدیک به ۶۰-۵۰ پارک داریم. در تعریفی که شما گفتید، پارک وابسته به دانشگاه تلقی می‌شود؛ یعنی نمی‌تواند بدون چسبندگی و تعامل با دانشگاه فعالیت کند. پارک‌هایی در حال حاضر فعالند که اصلاً تحت عنوان پارک دانشگاه شناخته نمی‌شوند. از طرفی پارک‌های دانشگاهی ما هم الزاماً فعالیت‌های موفقیت‌آمیز و کاملی نداشته‌اند. و البته الان هم به سمتی رفته‌یم که پارک‌های استانی داشته باشیم؛ یعنی الزاماً پارک مختص به یک دانشگاه نباشد. نگاه شما به اتفاقی که برای پارک‌ها افتاده چیست؟

این سؤال، از حیث اینکه سؤال کلی است، پاسخ‌های که به آن داده می‌شود پاسخ‌های سختی است؛ یعنی سؤال، سؤال دشواری می‌تواند باشد. ما تحلیل‌هایی که در موقعیت پارک از حیث سیاستی در فضای سیاست‌های نوآوری داریم؛ فراتر از اینکه پارک‌ها توسط وزارت عتف و وزارت بهداشت اداره می‌شوند و سایر فضاهای نوآوری ما در اختیار معاونت علمی‌اند. این دو پارگی که در فضای سیاست‌گذاری کشور وجود دارد و خود این یک مسئله است. اما در یک نگاه کلی‌تر، نگاهی که ما به مسئله دانایی در صورت کلی‌اش و نقش دانایی در فرایند پیشرفت ملی داریم -چه از حیث آسیب‌شناختی و چه از حیث ادبیایی و موفقیت‌ها- بر عملکرد یک بخش مثل پارک‌های علم و فناوری که کم‌اهمیت هم نیستند و جزء نهادهای خیلی مؤثر در تأثیر دانایی بر پیشرفت محسوب می‌شوند، سایه می‌اندازد.

ما در فهم و برداشت از آن چیزی که امروز خیلی مصطلح شده به اسم «اقتصاد دانش‌بنیان»، دچار چالش‌هایی هستیم. آن چالش‌ها به‌صورت کلی روی سیاست‌های معطوف به پارک هم تأثیر می‌گذارد. یعنی اگر بخواهم یکی از مهم‌ترین نکته‌ها را از حیث آسیب‌شناختی و انتقادی درباره در این فضا بیان کنم، این است که ما نسبت به مسئله‌های ملی، درک مسئله‌شناسانه و درک درستی نداریم و طبعاً متناسب با راحل‌هایی که برای آن مسئله‌ها طرح می‌کنیم، دچار عوجاج و ناکارآمدی می‌شویم.

نداشتن درک درست چگونه به پارک‌ها ارتباط پیدا می‌کند؟

پارک‌ها، در حقیقت نهادهای پشتیبانی هستند که کنشگران فضای نوآوری در آنجا مستقر می‌شوند، فن‌بازار و پارک این‌جور فضایی است. وقتی از حیث سیاسی درک از مسئله‌های ملی درست شکل نگیرد، کنشگران نیز چندان التفات و آگاهی مشخصی ندارند که باید نسبت به چه مسئله‌ای توجه بکنند. از این مهم‌تر، تکلیف کنشگران در این زیست‌بوم خیلی معلوم نیست. ما الگوهای صنعتی، چهارضلعی و پنج‌ضلعی داشتیم در حدود چهل سال گذشته درباره اکوسیستم‌های نوآوری و فضای نوآوری؛ در الگوی صنعتی نهاد دانشگاه، نهاد دولت و صنعت، بازیگران اصلی هستند که مسئله نوآوری را در اقتصاد حل و فصل می‌کنند. در الگوی چهارضلعی، جامعه یا جامعه مدنی به آن اضافه می‌شود. در الگوی پنج‌ضلعی، محیط‌زیست نیز افزوده می‌شود. این چهارچوب مفهومی -چه سه‌گانه ببینیم، چه چهارگانه و چه پنج‌گانه- است که می‌خواهد به مسئله‌ها توجه کند. وقتی که درک درست از مسئله‌ها سیاست‌گذاری نوآوری ما را به چالش دچار می‌کند. وقتی که با یک‌سری شاخص‌ها و معیارها و با یک ادبیات نمایشی تلاش می‌کنیم که نقص‌هایی که در آن سیاست‌های ناشی از عدم درک درست مسئله وجود دارد پوشانده شود، مسئله باز به نحو مشتقه‌شده‌ای پیچیده‌تر و سردرگم‌کننده‌تر می‌شود.

یعنی آنچه که ما الان در فضای پارک مواجهیم و اینکه که شاید هنوز هم آن اقتصاد دانش‌بنیانی که شما به آن اشاره کردید محقق نشده است و سهم دانش‌بنیان‌های ما در اقتصاد خیلی قابل توجه نیست - حتی وقتی گزارش‌های مالی را نگاه می‌کنیم، عده‌های بزرگی که بعضاً گفته می‌شود بابت درآمدها و فعالیت‌های شرکت‌هاست که الزاماً همه آن‌ها هم ارتباطی با آن وجه دانش‌بنیانیشان ندارد- از باب این درک اشتباه مسئله است که باعث شده است فناوریان ما و به تبع آن پارک‌های ما مسیر اشتباهی را بروند؟

در برساره این نهاد پارکی که داریم صحبت می‌کنیم؛ به‌جز حالا یکی دو مورد عمده، پارک‌های ما مصرف‌کننده بودجه دولتی‌اند؛ بنابراین، از این باب که هم از تراق مالی شان از مسیر دولت است و هم در زیر سایه نهاد دولت زندگی می‌کنند، به‌شدت تحت‌تأثیر صورت‌بندی مسئله‌های ملی از نگاه دولتمند. چالش این است؛ یعنی اگر ما بخواهیم خیلی رک و صریح و صادقانه با مدیران پارک‌ها گفت‌وگو بکنیم و یک بحث چالشی را مطرح کنیم، چالشی که من مطرح می‌کنم این است که پارک‌های ما تا چه حد به مسئله‌های ملی-فازخ از نگاهی که دولت دارد پیگیری می‌کند- به‌صورت واقع‌بنانه توجه می‌کنند؟ آمارهایی وجود دارد که نشان می‌دهد ما به‌شدت به فضای دانایی و اقتصاد دانش‌بنیان نیاز داریم. مثلاً خیلی جالب است که شما بدانید بر اساس یک مطالعه که یک مجموعه تخصصی در ایران انجام داده است، از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۹۴، مجموع پول نفت و گازی که ما فروختیم، به ارزش روز حدود ۱۳۷۷ میلیارد دلار بوده است. یک دوره خیلی وحشتناک و یک عددی خیلی بزرگ! این عدد حدود چهار برابر منابعی بوده که کره‌جنوبی و شش برابر منابعی بوده که مازنی در اختیار داشته است.

در سال ۲۰۱۴ گزارشی که سازمان بهرپوری آسیا در باره بهرپوری در ایران ارائه کرد، نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۳، عدد کل بهرپوری -که جمع و تلفیق کارایی و اثربخشی است- در اقتصاد ایران برابر با صفر بوده است!

با بیان این آمار می‌خواهید به چه نکته‌ای برسید؟

ما یک دولتی داریم که فکر می‌کند مسئله مطرح می‌کند و پارک‌هایی که تحت‌تأثیر دولتمند

می‌خواهند آن مسئله‌ها را حل کنند؛ اگر دولت خودش به‌دستی در باره مسئله‌هایش فکر نکند، پارک‌ها تا چه حد می‌توانند از این توره مسئله‌یابی دولت، دولت را خارج کنند؟ سؤال و علامت سسؤالی که ما پارک‌های علم و فناوری زیر آن قرار دارند و زیر رادیکال آن سؤال هستیم این است که مسئله ملی را چه می‌دانیم؟ این شاخص‌ها حاکمی از یک وضعیت است که ما به‌شدت منبع‌محوریم؛ و وقتی که به منابع تکیه داریم می‌توانیم از خرده‌ریزهای این عدد و رقم منابعمان یک کارهای نمایشی انجام بدهیم که نشان دهد داریم مسئله ملی را ظاهر حل می‌کنیم.

پارک‌های ما در حال حاضر محل هدایت ایده‌ها و افکار و انگیزه‌ها به سمت مسئله‌های ملی هستند؟ اصلاً باید باشند؟ من فکر نمی‌کنم الان این نگاه وجود داشته باشد؛ به‌نظم، از شرکت‌ها میزبانی می‌کنند و خیلی تأثیرگذاری آن‌چنانی در جریان پذیرش ندارند. در واقع بیشتر به تعداد شرکت‌هایشان، عدد و رقم درآمدها شان یا درآمدها اختصاصی که در بودجه برایشان تعیین تکلیف شده توجه می‌کنند. اگر بخواهیم در این بخش چمنه‌بندی کنیم، فکر می‌کنید واقعاً چنین نگاه کلی که در جریان اداره پارک‌های ما وجود دارد؛ به‌نظم اگر هم وجود دارد، کم‌رنگ است. نهاد دانشگاهی که وظیفه‌ای دارد دیگر؛ متناسب با وظیفه نهاد دانشگاه، پارک یا فن‌بازار دانشگاه‌ها که کنش اجتماعی دانشگاه است و حلقه واسطه بین نهاد دانشگاه با صنعت و بازار است هم تحت‌تأثیر همین فضااست. پارک بخشی از زیست‌بوم فضای نوآوری و فناوری دانشگاه است و متناسب با ما مأموریت‌هایی که بر عهده‌اش است کار میزبانی را انجام می‌دهد. پارک هتل نیست؛ پارک یک زیست‌بوم است که باید به سمت حل مسئله‌های ملی برود؛ از طریق سیاست‌های اعلامی و اعمالی که خواهد داشت. یعنی وقتی که یک شرکت فناوری عضو پارک تا ۲۰ سال از مالیات معاف است، این پیام را دارد که ما به این خاطر از این شرکت حمایت می‌کنیم و به تا ۲۰ سال معافیت مالیاتی می‌دهیم -هر چقدر هم که درآمد فناورانه‌اش هر عددی باشد یا معاف از مالیات خواهد بود - بابت اینکه بخواهد مسئله‌های بومی و ملی، مسئله‌هایی که ناظر به وضعیت جامعه است را حل بکنند، چگونه چه لزومی دارد که ما از چنین شرکتی حمایت کنیم؟

پس تمامی سیاست‌های اعلام‌شده و تمامی سیاست‌هایی که اعمال می‌شوند در پارک‌ها حاکمی است که پارک ما باید به سمت حل مسئله‌های ملی برود. چالشی که نسبت به این وضعیت می‌توانیم مطرح کنیم این است که چقدر پارک‌های ما نسبت به حل مسئله‌های ملی التفات دارند؟ چقدر دچار پیداری‌اند؟ چقدر دارند دست‌وپا می‌زنند؟ چقدر در رویدادهایی که برگزار می‌شود، در حمایت‌هایی که از شرکت‌ها انجام می‌شود و تقویت شرکت‌ها چقدر به این سمت وسو توجه می‌کنیم؟ بنابراین در جمع‌بندی، ابهام در حل مسئله‌های ملی، سؤالی است که همه سیاست‌گذاران حوزه نوآوری و فناوری باید به آن پاسخ بدهند. پارک‌های علم و فناوری هم در طبقه‌بندی در این موضوع استخوگر باید باشند. این کوتاه‌ترین جمع‌بندی است.

پارک علم و فناوری، جایگاه خودش را نسبت به دانشگاه ایرانی پیدا کرده است؟
بسه نظر من در تئوتاب‌اند؛ و به‌خاطر آن غلبه روحیه مقلدانه‌ای که وجود دارد، این خودآگاهی کمتر اتفاق افتاده است. جایگاهشان را زمانی پیدا می‌کنند که بتواند مسئله را به‌دستی شناسایی کنند. در دانشگاه آزاد یک نهادهی در حوزه نوآوری شکل گرفته به اسم سسراهای نوآوری که در قانون جهش تولید ۱۴۰۱ هم به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های مؤثر در فضاهای نوآوری دیده شده است. ایده مرکزی در دانشگاه آزاد برای شکل‌گیری سسراهای نوآوری این بود و سسراهای نوآوری فضایی است که درباره مسئله‌های ملی به نحو سیستمی فکر، تدبیر و شور می‌کند و بر اساس مطالعه پشتیبانی که در پژوهش‌های نهاد دانشگاه و احدها، دانشگاهی انجام می‌شود و تجویزهایی که در سیاست‌نامه انتهایی به آن می‌رسد، می‌تواند رابطه نهاد دانشگاه، مراکز رشد، پارک علم و فناوری، صنعت، بازار، استادان دانشگاه، دانشجویان و اقشار مختلف را واضح‌تر کند؛ و معنای قیو‌تری درباره «چه باید کرد» در حل نوع مسئله ارائه دهد.

به همین‌خاطر من خیلی زود این نکته را به یک بخش دیگری از بحثمان پیوند زدم. به اسم «سسراهای نوآوری». سسراهای نوآوری، طبق آن چیزی که در اسناد است و توضیحی که شهید دکتر طهرانچی ارائه می‌فرمودند، در حقیقت جایگاه و زیستگاه و زیست‌بومی است که بیشتر ناظر به حل مسئله‌های ملی فکر می‌کند؛ یا نهاد واحد دانشگاهی عمدتاً دادوستد دارد، به او سفارش پژوهش می‌دهد و از دستاوردهای پژوهشی او مدام استفاده می‌کند و تلاش می‌کند درباره یک یا چند مسئله ملی با نگاه میان‌رشته‌ای و با مشارکت جملی جامعه دانشگاهی، نسبت به آن مسئله خاص به یک اتاق فکر، به جمعی از آدم‌های متخصص که درباره آن مسئله می‌توانند راه‌حل ارائه کنند، ایده بدهد و همه این‌ها در سسرای نوآوری دارند شکل می‌گیرند و آن زیست‌بوم را به این نحوه شکل می‌دهند و خروجی‌اش می‌شود یک مجموعه سیاستی یا در حقیقت یک سیاست‌نامه ملی برای حل آن مسئله خاص ملی. سسرای نوآوری، هم برای واحدهای دانشگاهی تجویز و توصیه و دستاورد دارند، هم برای مراکز رشد و هم برای پارک، هم برای صنعت، هم برای بازار و هم برای اقشار مختلف جامعه.

اجازه دهید این سؤال چالشی را از ادبیات خود شما وام بگیرم؛ شما گفتید که برخی اوقات ادبیات و یک کارهای نمایشی واقع سمت‌وسوی حرکت جریان فناوری ما را شکل داده است. شکل گرفتن فضای پارک در دانشگاه آزاد و فعالیت آن، برخاسته از یک نیاز طراحی، هدف‌گذاری یا سیاست‌گذاری مرکزی صورت گرفته و پیش می‌رود یا در دانشگاه آزاد هم ناشی از همین شکل نمایشی یا فرمایشی پارک تشکیل شده است؟

قطعاً خب، شکل فرمایشی و مدل نمایشی بر پارک حاکم نبوده و در ماه‌های اخیر و در سال اخیر، تلاش و ویژگی از قالب یک کار تیمی انجام شده و دانشگاه کم‌کم پیش‌قدم کرده به این فضا؛ بنابراین نوع کار پارک دانشگاه‌ها فرمایشی و نمایشی به آن معنا نیست فعلاً. برای اینکه ما درباره فضای پارک یک نگاه دقیق‌تری داشته باشیم، در دانشگاه آزاد ما یک سندی داریم به اسم سند تحول و تعالی دانشگاه.

برنامه عملیاتی ۵ساله دانشگاه.

بله. که در آنجا بر اساس یک مفهومی، یک مجموعه از اهداف و راهبردها مطرح شده است. متناسب با این مأموریت‌ها، اهداف و راهبردها ۵ تا چرخش مهم قرار بوده در دانشگاه آزاد اتفاق بیفتد که چرخش چهارم درباره این است که دانشگاه می‌خواهد تلاش بکند در این دوره از اقتصاد شهری‌محور عدول بکند، چرخش بکند و گردش پیدا بکند به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و غیرشمالی‌های و حتی واژه «اقتصاد دانش‌بنیان» مقدمه شده بر اقتصاد غیرشهریه‌ای. قرار نیست؛ مثلاً چهار پنج درجه تمایل ایجاد بشود؛ درباره خلاصه مفهوم و کانسپتی به اسم گردش صحبت می‌کند و خب تحقق این مستلزم اجرای یک‌سری سیاست کلی است. مبتنی بر این سیاست‌ها، یک‌سری راهکنش و برنامه و ارتقای یک‌سری شاخص‌ها.

جزء کارهای پایه‌ای است که ما در یک سال گذشته در پارک انجام دادیم اتفاقاً در پاسخ به همین فرمایش و سسؤال شما بود که نقش پارک در فضای دانشگاه آزاد چه چیزی می‌تواند باشد؟ ما این را بردیم در بافتار سند تحول و تعالی دانشگاه و از سند تحول و تعالی دانشگاه پرسش کردیم که نظر به سیاستی و دیدگاه تو درباره پارک و مسئله نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان در دانشگاه چیست. یک تلاشی انجام دادیم و آن را در قالب یک نظریه قابل استخراج از سند تحول و تعالی طرح کردیم. ۲۰ مضمون محوری از سند

تحول که توضیح می‌دهد که من، به‌عنوان سند تحول دانشگاه، به دنبال چه مدلی و چه الگوی مفهومی از مسئله نوآوری در دانشگاه هستم و پارک باید به این نکات توجه بکند و در یک فرایند جمعی و مشارکتی، با حضور بعضی از دوستان، بحث‌های انتقادی و چالشی نسبت به این ۲۰ گزاره انجام‌شد. آن‌تقدادها در ۱۰ پاراگراف و ۱۰ محور تدوین شد و نهایتاً از سه مرحله - یعنی شناخت نظریه فعلی مستند بالادستی دانشگاه، نقد‌هایش و ایده‌های جدیدی که به فضای کاری پارک اجازه می‌دهد که متناسب با این ایده‌های جدید در چهارچوب کلی سند بتواند به سمت جلو حرکت بکند- این سه بخش، نظریه سیاستی حرکت روبره‌شد پارک را شکل داده است.

می‌توانید به‌صورت خلاصه بفرمایید که این نظریه چه می‌خواهد بگوید؟

این نظریه عنوانش این است «رشد کارآفرینی بر پایه شتاب نوآوری» به‌طورکلی روی دو مفهوم متمرکز می‌کند، دو قره و استعداد و توان. به دنبال این است که پارک دانشگاه برود به سمت ارتقای ظرفیت نوآوری و ارتقای ظرفیت کارآفرینی در بستر پارک و دانشگاه. ظرفیت نوآوری یعنی اینکه اگر ایده تازه‌ای بخواهد خلق بشود، تا چه حد پارک می‌تواند به خلق این ایده کمک بکند تا این ایده در فرایند فناوری خودش متولد و بالغ و بزرگ و بزرگ‌تر بشود. این درباره ظرفیت نوآوری است. ظرفیت کارآفرینی به این معناست که اگر یک کسب‌کار بخواهد شکل بگیرد، تا چه حد [شکل‌گیری] این کسب‌کار آسان و ساده خواهد بود. این دو پایه، این دو مفهوم پایه، مفاهیمی‌اند که نظریه سیاستی رشد کارآفرینی بر پایه شتاب نوآوری را شکل می‌دهند و سمت‌وسوی سیاست‌های اصلی ما هم بر همین اساس است. ما این را در قالب یک کتابچه هم آماده کردیم.

در دانشگاهی که سسراهای نوآوری اخیراً در آن شکل گرفته، مراکز رشد به‌عنوان یکی دیگر از فضاهای مرسوم در زیست‌بوم فناوری فعالند و در کنارش شتاب‌دهنده و برنامه‌های مختلف و متعددی در واحدهای مختلف دانشگاه آزاد در حال اجرا است. پارک با آن‌ها اشتراک دارد یا دارد از آن‌ها استفاده می‌کند؟ این رابطه بین آن‌ها و پارک چگونه برقرار می‌شود؟

تلاش می‌کنم با ادبیات شهید طهرانچی به سسؤال شما پاسخ بدهم. دانشگاه یک شش‌الکله‌ای دارد. این شش‌الکه برگفته از سه مفهوم پایه و کلیدی است؛ علم، فرهنگ و فناوری. رابطه هم این‌گونه است که علم بنیاد شناخت است؛ این علم وقتی تبدیل می‌شود به یک معرفت تفاهم‌شده عمومی و در رفتار مردم محقق می‌شود، فرهنگ را شکل می‌دهد. وقتی که فرهنگ شکل جسمیت‌یافته پیدا می‌کند، فناوری می‌شود. این سه‌گانه‌ای است که شاکله دانشگاه را تشکیل می‌دهد. در کنار این سه‌گانه، سه مأموریت و سه کار ویژه در نهاد دانشگاه - منظورمان واحدهای دانشگاهی است- وجود دارد: آموزش، پژوهش و کاربست. بنابراین در نهاد واحدهای دانشگاهی، کار آموزش انجام می‌شود و مبتنی بر مهارت و آموزشی که در فضای دانشگاه مشکل می‌گیرد، خروجی‌ها، مسئله‌ها و برون‌دادهای نهاد دانشگاهی عمدتاً شامل پژوهش‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها می‌شود و توجه به مسئله‌های ملی جزء اولویت‌های ویژه است. از واحد دانشگاهی - که ثمره و برون‌داش می‌شود مقاله علمی، پایان‌نامه و رساله - به تدریج مسئله‌های دانشجویی یا استادی و یا ترکیبی بین استادان و دانشجویان شکل می‌گیرند و این هسته‌ها در حقیقت یک ادامه هستند از یک کار آزا میاشگاهی که در فضای پایان‌نامه و رساله بوده یا یک مطالعه خاص که انجام شده. حتی ممکن است این مسئله به سفارش یک صنعت از بیرون دانشگاه آمده و مطالعه‌ای به درباره آن انجام شده باشد و حالا اینجا یک مقدار عملی‌تر و عینی‌تر می‌خواهد به آن مسئله پاسخ بدهد. اینجا جایی است که مسئله‌های فکری اولیه در تئوتاب هستند و شکل می‌گیرند و بیشتر تلاش می‌کنند که یک محصول را یا یک روش را توسعه بدهند و بالغ کنند.

جایی که مرکز رشد فعال می‌شود.

بله، مرکز رشد دقیقاً در معنای مصطلح خودش و در کنار این، ما یک نهاد داریم به اسم «سسراهای نوآوری». سسراهای نوآوری، طبق آن چیزی که در اسناد است و توضیحی که شهید دکتر طهرانچی ارائه می‌فرمودند، در حقیقت جایگاه و زیستگاه و زیست‌بومی است که بیشتر ناظر به حل مسئله‌های ملی فکر می‌کند؛ یا نهاد واحد دانشگاهی عمدتاً دادوستد دارد، به او سفارش پژوهش می‌دهد و از دستاوردهای پژوهشی او مدام استفاده می‌کند و تلاش می‌کند درباره یک یا چند مسئله ملی با نگاه میان‌رشته‌ای و با مشارکت جملی جامعه دانشگاهی، نسبت به آن مسئله خاص به یک اتاق فکر، به جمعی از آدم‌های متخصص که درباره آن مسئله می‌توانند راه‌حل ارائه کنند، ایده بدهد و همه این‌ها در سسرای نوآوری دارند شکل می‌گیرند و آن زیست‌بوم را به این نحوه شکل می‌دهند و خروجی‌اش می‌شود یک مجموعه سیاستی یا در حقیقت یک سیاست‌نامه ملی برای حل آن مسئله خاص ملی. سسرای نوآوری، هم برای واحدهای دانشگاهی تجویز و توصیه و دستاورد دارند، هم برای مراکز رشد و هم برای پارک، هم برای صنعت، هم برای بازار و هم برای اقشار مختلف جامعه.

ارتباط سسراها با پارک دانشگاه چگونه برقرار می‌شود؟

می‌توانند ایده خاصی را پیشنهاد بدهند، شرکت خاصی را پیشنهاد بدهند. انتقال فناوری خاصی را پیشنهادبدهند. تمرکز و تقویت از شرکت‌های خاصی را پیشنهادبدهند و این‌قبیل؛ یعنی همه کارهایی که یک سیاست‌نامه انجام می‌دهد. یک سیاست‌نامه یک وضع بغرنج را به‌عنوان یک مسئله شناسایی می‌کند، درباره آن وضع بغرنج به یک مجموعه از تدبیرها می‌رسد و خروجی خودش را ناظر به شناخت و حل یک مسئله واقعی ارائه می‌کند. این می‌شود خروجی که در سسرای نوآوری متوقع است. ممکن است بعضی از نوآوری‌ها حتی یک مقدار در لایه‌های ایجاد شرکت‌هایی که ناظر به آن حل مسئله می‌توانند کمک خاصی بکنند هیروارد بشود. اینها در حقیقت جایی است که یک مقدار اختلال ممکن است ایجاد شود و می‌شود یک تلقی مثبت از آن داشت و بگیریم مقداری فضای خلافتان سسراهای نوآوری است. ولی سسرای نوآوری زیست‌بومی شبیه به پارک یا زیست‌بومی شبیه مرکز رشد نیست که شرکت‌ها و هسته‌ها در آن به این معنا کسب‌کار ایجاد بکنند.

درواقع وجه شکل‌گیری شرکت‌ها مربوط به پارک می‌شود.

دقیقاً. حتی اگر آنجا هم از تبعات و پیامدهای آن کار فکری که انجام شده یک شرکت یا یک هسته ایده شکل بگیرد، یک تیم شکل بگیرد. آن‌ها و ی وارد مراکز رشد می‌شوند یا وارد پارک می‌شوند.

‎ ‎ متن کامل این گفت‌وگو را در سایت «فرهیختگان آنلاین» بخوانید. 	
‎ ‎ شرکت ملی کار ایران شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی	
‎ ‎ شرکت ملی کار ایران شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی	
‎ ‎ شرکت ملی کار ایران شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی	

آکمی فراخوان مناقصه عمومی دومر حله‌ای همراه با ارزیابی کیفی یکپار چه

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقالم مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به صورت برگزاری مناقصه عمومی دومر حله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید:	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۷۸۷۴۰۰۱۳۱
شماره مناقصه و تقاضا	مناقصه ۱۴۰۲۰۴۰۴ - تقاضای AS-۱۲۱۹-۴۱۵۴۱-M
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقالم درخواستی	خرید بیل مکانیکی چرخ زنجیری
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۸/۹۵۰/۰۰۰ ریال (هشت میلیارد و پنجاه میلیون ریال)
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به صورت یکی از تضمین‌های قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۳۳۲/۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۷۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (صد و هفتاد و نه میلیارد ریال)
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و فنی در سامانه ستاد	۱۰ روز پس از درج نوبت دوم آکمی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بازگداری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) و پیشنهادات فنی و مالی در سامانه ستاد	طرف مدت دوره‌ته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
استان پوشش - شهرستان سسلویه -	شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - فاز ۲ و ۳- ساختمان مهلت مهدوی - مدیریت بازگانی - اداره خرید - گروه خرید مکانیک عمومی - اتاق ۲۱۷
آدرس مناقصه‌گذار	

بدیهی است کلیه فرایند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و پیشنهادها خارج از سامانه ستاد هیچ گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد. مناقصه‌گران با پاسی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت کارهای اقمات می‌توانند. مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت سامانه ستاد مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۲۲۷۷-۲۲۷۸-۰۷۷۳۱۲۱۲ تماس حاصل فرمایند. روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - شماره شناسه ۲۰۵۷۶۲۴

مدرك: متین امیددوست کاردانی برق فرزند داود دارای شناسنامه به شماره: ۰۰۲۰۴۰۲۹۲۹ صادره تهران مدرك کاردانی برق صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد سساوه معفود گردیده و فاقد اعتبار است. از پاینده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی - ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک - شهرک دانشگاهی خاتم الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

■ ■ ■

مدرك فارغ التحصیلی حسین تابعیان فرزند کریم به شماره شناسنامه ۱۹۰۱ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ا مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۳ معفود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرك را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۹۱۳۴۶ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.